

## اظهارنظر کارشناسی درباره:

### «طرح تسری قانون فوق‌العاده خاص کارمندان سازمان‌های پزشکی قانونی

### و انتقال خون به کارمندان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای»

#### مقدمه و سابقه موضوع

مجلس شورای اسلامی با تصویب «قانون فوق‌العاده خاص کارمندان سازمان‌های پزشکی قانونی و انتقال خون ایران مصوب ۱۳۹۰/۲/۴» و همچنین «قانون تسری فوق‌العاده خاص کارمندان سازمان‌های پزشکی قانونی و انتقال خون ایران به کارمندان سازمان دامپزشکی کشور و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۹» میزان وجوه ماهانه قابل پرداخت به کارکنان سازمان‌های مذکور را به نحوی بی‌سابقه و غیرمتعارف حتی تا میزان بیش از ۳ برابر افزایش داده است. فوق‌العاده خاصی که به نظر می‌رسد اطلاعات دقیقی از آثار مالی و میزان پرداختی آن در اختیار نمایندگان دوره گذشته مجلس قرار داده نشده است. مصوبات فوق موجب شد چهار طرح دیگر نظیر طرح حاضر در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

مشخصات طرح

دوره نهم - سال دوم

شماره ثبت:

۳۷۲

شماره چاپ:

۷۸۶

تاریخ چاپ:

۱۳۹۲/۷/۲۳

این طرح تنها بخشی از جامعه عظیم کارکنان دولت را دربر می‌گیرد و تصویب آن می‌تواند علاوه بر ایجاد زمینه نارضایتی در بدنه کارکنان دولت، مقدمه‌ای بر ارائه پیشنهادات مشابه توسط سایر دستگاه‌های اجرایی و دیگر مشاغل شود. لذا شایسته است مجلس شورای اسلامی نگاهی جامع و یکپارچه به مسائل و مشکلات جامعه کارکنان دولت داشته باشد و از اصلاحات موردی و بعضاً فاقد دلایل متقن پرهیز کند. در ادامه طرح حاضر مورد ارزیابی قرار گرفته است.

#### ارزیابی طرح

۱. یکی از اهداف مهم قانونگذار از تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری در مجلس هفتم، ساماندهی و تنسيق مفاد پراکنده قوانین استخدامی و همچنین قوانین و مقررات مربوط به پرداخت حقوق و مزایای کارمندان بود. با تصویب طرح‌های موردی و خاصی مانند طرح مورد بررسی، هدف پیش‌گفته قانونگذار مخدوش خواهد شد. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های قانون، «عام بودن» آن است. به عبارت روشن‌تر، تصویب قانونی راجع به پرداخت فوق‌العاده خاص به یک دسته از کارمندان، با این ویژگی ذاتی قانون مغایر است و آسیب‌های جدی را بر نظام حقوق و دستمزد یکپارچه قانون مدیریت خدمات کشوری وارد خواهد ساخت. اقدامات مجرد و انتزاعی برای گریز از یک نظام یکپارچه و فراگیر طبیعتاً منجر به اقدامات مشابه بعدی و در نتیجه نفی کل نظام خواهد بود. تصویب مقررات تبعیض‌آمیز علی‌رغم اینکه در مغایرت با بند «۹» اصل سوم قانون اساسی قرار دارد، موجب نارضایتی سایر کارکنان، تقلیل میزان بهره‌وری آنان و تقویت زمینه‌های فساد اداری خواهد شد.

معاونت پژوهش‌های

اقتصادی

دفاتر: مطالعات بخش

عمومی

مطالعات اجتماعی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۳۰۱۳۹۰۵

تاریخ انتشار:

۱۳۹۳/۷/۷

۲. میزان فوق‌العاده پیشنهادی قابل تأمل جدی است. اگر در نظر آوریم که بخش اعظم حقوق و مزایای کارمندان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری را دو عنصر حق شغل و حق شاغل تشکیل می‌دهد آنگاه متوجه خواهیم شد که اجرای این قانون تا چه میزان موجب افزایش حقوق کارمندان این سازمان خواهد شد و چه شکاف عظیمی

را بین حقوق و مزایای کارکنان این سازمان با سایر کارکنان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری به وجود خواهد آورد. بر اساس طرح پیشنهادی حقوق و مزایای کارکنان این سازمان به شرح جدول ذیل افزایش خواهد یافت:

میزان تقریبی افزایش حقوق	فوق العاده خاص پیشنهادی	مشاغل
تا میزان سه و شش دهم برابر	امتیاز شغل و شاغل $4 \times$	دکتری تخصصی و PHD
تا میزان سه و دودهم برابر	امتیاز شغل و شاغل $3/5 \times$	دکتری حرفه‌ای
تا میزان دو و هفت دهم برابر	امتیاز شغل و شاغل $3 \times$	کارشناس ارشد و کارشناس فنی
تا میزان دو و دودهم برابر	امتیاز شغل و شاغل $2/5 \times$	کاردان و تکنسین بخش فنی
تا میزان یک و هشت دهم برابر	امتیاز شغل و شاغل $2 \times$	پرسنل اداری شاغل در بخش فنی
تقریباً به میزان حقوق فعلی	امتیاز شغل و شاغل $1 \times$	سایر کارکنان

۳. براساس اصل هفتادوپنجم قانون اساسی طرح‌هایی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد با تأمین هزینه جدید معلوم شده باشد. این طرح علی‌رغم آثار مالی قابل توجه، هیچ‌گونه اشاره‌ای به محل تأمین اعتبار آن نشده است، لذا این طرح در مغایرت آشکار با اصل هفتادوپنجم قانون اساسی است. ضمن اینکه تصویب این طرح موجب افزایش هزینه‌های جاری دولت برای مدت نامحدود خواهد شد.

۴. تصویب طرح حاضر موجب افزایش غیرمتعارف و غیرموجه حقوق بازنشستگان اخیر در مقایسه با بازنشستگان قبلی و به تبع آن ایجاد تبعیض بین بازنشستگان خواهد شد. از سوی دیگر موجب افزایش منابع مورد نیاز برای پرداخت حقوق بازنشستگان و ناتوانی بیشتر صندوق‌های بازنشستگی در پرداخت حقوق سایر بازنشستگان خواهد شد.

۵. براساس آنچه در مقدمه توجیهی طرح آمده است، غالباً محل تأمین اعتبار این افزایش درآمدهای اختصاصی یا برخی دیگر از درآمدهای دستگاه‌های ذی‌ربط تعیین می‌شود. مصرف درآمدهای اختصاصی برای پرداخت کارکنان موجه نیست، زیرا موجب ایجاد مضیقه برای ارائه سایر خدمات یا افزایش بهای کالاها و خدمات آنها می‌شود که در نهایت نتایج نامطلوب آن مستقیماً مردم را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۶. اگر قرار باشد هر دستگاه اجرایی صرف دارا بودن درآمد اختصاصی (به جهت ماهیت وظایف و فعالیت‌ها) مصرف‌کننده درآمدهای خود باشد، آنگاه دستگاه‌های دولتی که از درآمدهای اختصاصی بی‌بهره‌اند عملاً از حداقل‌های قانونی برخوردار خواهند بود. در این شرایط با نظام اداری مواجه خواهیم بود که برخی از کارکنانش از پرداختی‌های قابل توجهی بهره‌مند خواهند بود و بخش عظیمی از آنان از حداقل‌های زندگی محروم. تفاوت‌هایی که به لحاظ شاخص‌ها و ویژگی‌های یک نظام مطلوب جبران خدمات، فاقد هرگونه استدلال منطقی است.

۷. درآمدهای اختصاصی بخشی از منابع مالی دولت را تأمین می‌کند و دولت با توجه به اولویت‌های خود برنامه‌ریزی مالی و بودجه‌ای لازم را انجام می‌دهد. اگر قرار باشد هر دستگاهی خود محل هزینه‌کرد درآمد اختصاصی را تعیین کند، در این صورت امکان هرگونه برنامه‌ریزی مالی و بودجه‌ای از دولت سلب می‌گردد.

۸. در شرایطی که دستگاه‌هایی نظیر وزارت آموزش و پرورش و بسیاری دیگر از دستگاه‌ها که فاقد درآمدهای اختصاصی هستند، در

پرداخت حقوق و مزایای ماهیانه کارمندان خود با مشکل مواجهند و حتی برخی اوقات پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان خود را به تأخیر می‌اندازند، تصویب چنین طرح‌هایی بر فضای اعتماد عمومی نسبت به نهاد قانونگذار دامن می‌زند.

### جمع‌بندی

۱. متأسفانه نظام پرداخت در کشور به نظامی چندپاره تبدیل شده است که هر دستگاهی به اقتضای منابع مالی در اختیار، درآمدهای اختصاصی و توان جذب اعتبارات عمومی، با استفاده از سازوکارهای قانونی و حتی غیرقانونی به کارمندان خود حقوق و مزایا پرداخت می‌کند. این موضوع سبب شده است کارکنان برخی دستگاه‌ها از دریافت‌های قابل توجهی برخوردار باشند و کارکنان بسیاری از دستگاه‌های اجرایی کشور به جهت کمبود منابع مالی از حداقل‌های قانونی بی‌بهره بمانند. امری که در مغایرت آشکار با بند «۹» اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. طرح حاضر نیز بر این وضعیت دامن خواهد زد و تبعیضات ناروا و بی‌عدالتی در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت را تشدید خواهد کرد.

۲. با توجه به اینکه طرق تأمین هزینه‌های قابل توجه اجرای طرح مشخص نشده است، لذا در مغایرت آشکار با اصل هفتادوپنجم قانون اساسی قرار دارد.

۳. تصویب این طرح و قوانین مشابه موجب کاهش توان مالی صندوق‌های بازنشستگی و افزایش تعهدات غیرمعارف و ازسوی دیگر بروز تبعیض بین حقوق بازنشستگان سنوات مختلف خواهد شد.

با توجه به توضیحات فوق پیشنهاد می‌شود کلیات طرح رد شود.

